

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)

سال بیست و نهم، دوره جدید، شماره ۴۴، پیاپی ۱۳۴، زمستان ۱۳۹۸ / صفحات ۵۴-۳۵

بررسی جایگاه و اهمیت قلعه ساسانی شاه جُغَل (جِقْلَه) بروجرد در حفظ امنیت راه‌های منطقه زاگرس مرکزی^۱

موسی سبزی^۲

اسماعیل همتی ازندریانی^۳

کاظم امیدی^۴

تاریخ ارسال: ۹۷/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۲۳

چکیده

قلعه «شاه جُغَل» یا «جِقْلَه» یکی از قلعه‌های کوهستانی منطقه زاگرس مرکزی است. موقعیت مکان‌گزینی آن به گونه‌ای است که بر سر یکی از مسیرهای ارتباطی دشت بروجرد به خرم‌آباد قرار دارد و در کوه‌های غربی دشت «سیلاخور» در دهانه تنگه «دره بیداد» بر بالای محیطی صخره‌ای ساخته شده است. از این قلعه اتاقک‌ها، آب انبار و راه پله‌هایی جهت دسترسی به آن و برخی آثار سفالی باقی مانده است. نکته قابل تأمل در مورد این قلعه، مکان‌گزینی و قرارگیری آن در ارتفاعاتی مشرف به محیط پیرامونی است. بر این اساس، می‌توان سؤالات کلیدی را با در نظر گرفتن بقایای معماری موجود و یافته‌های سطحی چنین مطرح کرد که: این قلعه مربوط به کدام دوره تاریخی است و ماهیت کاربری آن چیست؟ نگارندگان این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش میدانی (بررسی، مستندنگاری و مطالعات باستان‌شناختی) و مطالعات کتابخانه‌ای، درصدد ارائه پاسخی منطقی و علمی به سؤال مورد نظر بودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این قلعه بیش از هر چیزی کاربری امنیتی در جهت تأمین امنیت راه‌های ارتباطی-تجاری منطقه شرقی زاگرس مرکزی را داشته است. همچنین می‌توان گفت با در نظر گرفتن شواهد باستان‌شناختی، این قطعه مربوط به دوره ساسانی است.

واژه‌های کلیدی: زاگرس مرکزی، شهرستان بروجرد، قلعه شاه‌جغل، کاربری امنیتی، ساسانی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2019.24087.1892

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه لرستان؛ sabzi.m@lu.ac.ir

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)؛ e.hemati@basu.ac.ir

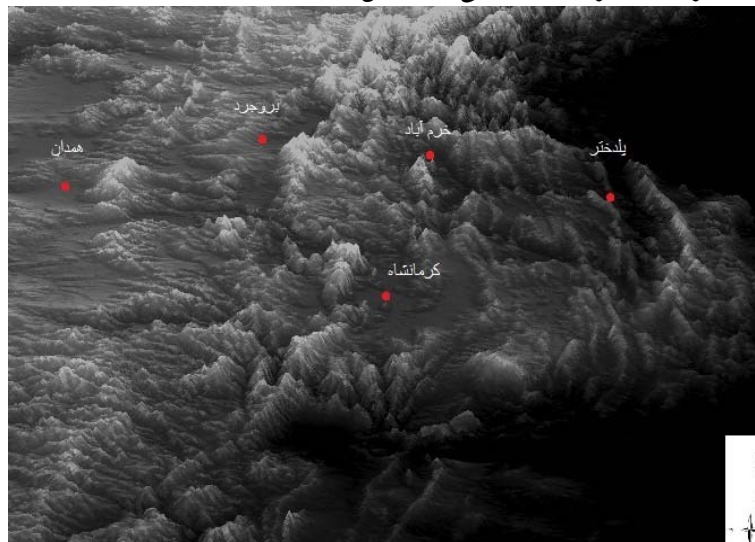
۴. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه تهران؛ kazemomidiut@gmail.com

مقدمه

زاگرس مرکزی بخش وسیعی از غرب کشور را در بر گرفته که شرایط طبیعی دره‌های آن مسیرهای ارتباطی ویژه‌ای را ایجاد کرده است. وضعیت خاص رشته‌کوه‌های این منطقه سبب شده تا شاهراه‌های ارتباطی آن از روزگاران باستان تا کنون چندان تغییر مسیر نیابد (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۱۱۵). به عبارت دیگر، این راه‌ها از آغاز ارتباط تمدنی در دوره‌های تاریخی و از آن به بعد هیچ‌گاه اهمیت خود را از دست نداده‌اند. این منطقه که در اصطلاح برخی از محققان «دروازه فلات ایران» نامیده می‌شود، از نظر استراتژیکی و مواصلاتی در تمام حکومت‌ها قابل توجه بوده (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: ۸۲) و رفت‌وآمد از مناطق بین‌النهرین و دشت خوزستان به فلات ایران، تنها با عبور از کوه‌های این منطقه میسر بوده است. وجود پل‌های تاریخی متعدد مانند «پل شکسته»، «کشکان»، «کلهر»، «پل دختر»، «گاومیشان» و غیره مؤید اهمیت راه‌های ارتباطی در ادوار تاریخی این منطقه است. با توجه به این موارد می‌توان این منطقه را از لحاظ ساختمان طبیعی برای عملیات نظامی بهترین و بی‌نظیرترین مناطق برشمرد؛ زیرا در اینجا چگونگی چیدمان رشته‌کوه‌های متعدد، بهترین دیوارها و سدهای غیرقابل عبور و در عین حال معابر محدودی را به وجود آورده است که با حداقل قوا می‌توان از آن حفاظت کرد (رزم‌آرا، ۱۳۳۰: ۱۷۹-۱۸۲). بر همین اساس، اهمیت به هنگام تهیه تصاویر هوایی محوطه‌های کهن ایران، ناهمواری‌های این منطقه را دشوارترین مرحله از کار خود بیان کرده است که ویژه‌ترین کشف هوایی در این منطقه، استحکامات کوهستانی می‌باشند (اشمیت، ۱۳۷۶: ۲۳۲). این شرایط موجب شد تا این منطقه از مناطق هم‌جوار مجزا و راه‌های ارتباطی به آن از طریق تنگه‌ها میسر شود. به موجب شرایطی که به‌طور خلاصه از منطقه بیان شد، تأمین امنیت مسیرهای ارتباطی زاگرس مرکزی، با ایجاد قلعه‌های متعدد توجیه می‌شود. در اینجا مسیرها در گذشته به‌طور عمده به صورت مالرو بوده‌اند و ساکنان این قلعه‌ها می‌توانستند تمام فعالیت‌های اطراف از قبیل نقل و انتقالات نظامی، اقتصادی، بازرگانی و غیره را زیر نظر داشته باشند.

از مهم‌ترین قلاع این منطقه می‌توان به قلعه «شاه‌جغل» یا «جِغَلَه» اشاره کرد. موقعیت این قلعه به گونه‌ای است که در بالای صخره‌ای در طرف راست دهانه تنگه دره بیداد قرار دارد. در راستا و همگام با بیان اهمیت راه‌های ناحیه زاگرس مرکزی، مکان‌گزینی این قلعه به عنوان یک پایگاه در مسیر ارتباطی که از این منطقه جریان داشته است، اهمیت آن را دوچندان می‌سازد. بر همین اساس، در ادامه تلاش شده است به بیان و تشریح این موضوع پرداخته شود که این قلعه چه نقشی را می‌توانست در این منطقه و به عنوان موردی چه نقشی را در این مسیر ارتباطی

ایفا کند؛ که البته تا حدودی با توجه به مطالعه و مقایسه‌های انجام گرفته درباره نقش مکانی این قلعه، کارکرد یا کارکردهای احتمالی آن روشن شده است.



تصویر ۱: نمای سه‌بعدی از رشته‌کوه زاگرس مرکزی و دشت‌های میان‌کوهی آن

با وجود این، آنچه که نگارندگان را بیش از هر چیزی به ترغیب پژوهشی در این راستا سوق داد، فعالیت‌های عمرانی و به‌ویژه ایجاد سد آب «سرده» در دهانه این تنگه است که به موجب آن، همان بخش ناچیزی که از بقایای این قلعه باقی مانده است، مورد تخریب فیزیکی قرار گرفته و پس از آن در عملیات آبرگیری - حداقل بخش‌های پایین آن - در زیر آب مدفون شده است.

اهمیت قلعه‌سازی در منطقه زاگرس مرکزی

زاگرس مرکزی از لحاظ تقسیمات سیاسی کشور، بخش وسیعی از نیمه غربی ایران (از جمله تمامیت ارضی استان لرستان) را در برمی‌گیرد. این منطقه را باید با کوه‌های سر به فلک کشیده، آب‌وهوای سخت کوهستانی، دره‌ها و دشت‌های میان‌کوهی به همراه رودخانه‌ها و راه‌های پر پیچ و خم آن شناخت. کوه‌های این منطقه از رشته‌های موازی تشکیل یافته است. قله و ارتفاعات بلند آن دارای دامنه‌های پرشیب و دره‌های عمیق و گلوگاه‌های تنگ‌اند و فرسایش شدید بریدگی‌ها، برجستگی‌های ناموزون در آن به وجود آورده است (بدیعی، ۱۳۷۸: ۴۹/۳). در بیشتر موارد، فرسایش آب‌های روان رودخانه‌ها، ساختمان‌ها و طاق‌دیس‌ها را در امتداد

شکاف‌ها و گسل‌های طولی شکافته و دره‌های باریک و عمیق در محل ایجاد کرده است که از مشخصات شکل ناهمواری در قلمرو زاگرس میانی محسوب می‌شود (علایی طالقانی، ۱۳۸۲: ۱۵۶). براساس تصویری که از توپوگرافی‌های سه‌بعدی این منطقه ارائه شده است، دشت‌های میان‌کوهی این منطقه بخش کوچکی از موقعیت منطقه را در برمی‌گیرند و این مسئله باعث شده است که بیشتر جاده‌ها و راه‌های ارتباطی با نواحی شمال، جنوب، غرب و شرق از طریق تنگه‌ها مرتبط شود (تصویر ۱). به موجب این امر اتصال و وابستگی این ناحیه به مناطق مرکزی ایران، به‌ویژه با دشت‌های کرمانشاه تا بروجرد بسیار زیاد است (گاف مید، ۱۳۵۰: ۱۴-۱۵). این شرایط جغرافیایی موجب شده است تا بیشتر قلعه‌های این منطقه، به‌طور معمول مشرف بر جلگه‌ها، راه‌های ارتباطی و نقاط مسکونی بنا شوند (کریمیان و امیدی، ۱۳۹۵: ۲۵).

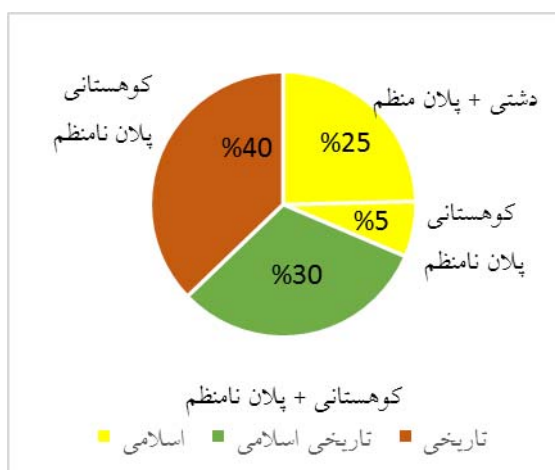
آن‌گونه که پژوهشگران باور دارند، کوهستان‌های زاگرس مرکزی از گذشته‌های دور مکان سکونت مردمانی بوده است که تحت حکم هیچ پادشاهی نبوده‌اند (سرجان ملک‌خان، ۱۳۶۲: ۱۳۷)؛ به همین دلیل همیشه به این سرزمین به چشم یکی از پرتددترین ولایات ایران نگریسته شده است (دوئید، ۱۳۷۱: ۴۲۲). بر همین اساس، در سراسر کوه‌های زاگرس مرکزی، از خوزستان تا کرمانشاهان، بر بالای قله‌های مشرف بر دشت، آثار دژهایی برجاست که با عمومیت بیشتری به منظور دفاع در مقابل مهاجمان ساخته شده است. با استناد به منابع تاریخی، این دژها به هنگام بروز نهضت‌های ایرانیان علیه امویان و عباسیان همواره مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (ایزدپناه، ۱۳۵۰: ۷۵؛ کریمی، ۱۳۱۷: ۱۶۶-۱۶۷). در حقیقت، قلعه‌نشینی شکلی از سکونت و متفاوت از روستانشینی یا شهرنشینی بوده است (پارسی، ۱۳۸۳: ۱۳۶) و قلاع معمولاً در کوه‌های صعب‌العبور، کنار آب و چشمه‌سارها، پیرامون شهرها و مشرف بر آنها ساخته می‌شدند که در تحولات سیاسی گوناگون، مانند به قدرت رسیدن و سقوط حکومت‌ها و همچنین در بحران‌های داخلی و یورش اقوام بیگانه، به عنوان پناهگاهی برای مخالفان سیاسی و نیز به عنوان هسته شکل‌گیری شهرها در کنار آنها دارای نقش مهمی بوده‌اند (عریان، ۱۳۷۴: ۳۰۵). مکان‌گزینی قلعه‌های استحکاماتی در مناطقی با موقعیت استراتژیکی، از یک طرف با اهداف حفظ مالکیت خرد (درون‌منطقه‌ای) و از طرف دیگر، با حفظ امنیت راه‌های تجاری (با این نگاه که تجارت و رونق اقتصادی همیشه از مؤلفه‌های بادوام و موجب پایداری حکومت‌ها و دولت‌ها بوده است) در راستای منافع ملی و کلان (برون‌منطقه‌ای) در ارتباط بوده است (خانعلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۳). این امر موجب شده است که علاوه بر اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و مباحث نظامی که در شکل‌گیری بیشتر قلعه‌ها نقش داشته‌اند، راه‌ها و تأمین امنیت جاده‌ها و همچنین تسلط بر منطقه به منظور کنترل و مدیریت آن، تأثیر بسزایی در

ساخت قلعه‌ها و بازسازی آنها داشته باشند که نقش و اهمیت قلعه «شاه‌جغل» نیز بیانگر این مسئله است. همچنین با توجه به ماهیت و موقعیت این قلعه، این‌گونه به نظر می‌رسد که هدف از ساخت این قلعه تسلط بر منطقه و جاده‌هایی که از این مسیر عبور می‌کرده‌اند، بوده است؛ زیرا این قلعه در یک نقطه استراتژیک ساخته شده و بدین طریق موارد گفته‌شده را کنترل می‌کردند. به عبارت دیگر، اهالی آن به راحتی می‌توانستند بر بخش وسیعی از این منطقه مسلط شوند و هر نوع رفت‌وآمد و مانند آن را در منطقه زیر نظر داشته باشند. از طرفی، به این نکته نیز باید اشاره کرد که وضعیت کوهی که این قلعه بر بالای آن ساخته شده، از نظر سوق‌الجیشی دارای اهمیت خاصی است و در واقع، در نقطه‌ای قرار دارد که این قسمت با کاهش ارتفاع، از دیگر بخش‌های مرتفع کوهستانی مجزا شده و این توپوگرافی و موقعیت خاص باعث شکل‌گیری این قلعه بر بالای آن شده است.

پیشینه پژوهشی قلاع استان لرستان و قلعه شاه‌جغل

تاکنون فعالیت منسجمی مربوط به مطالعه قلعه‌های استان لرستان انجام نشده و تنها به شناسایی و تاریخ‌گذاری تعدادی از آنها، آن هم در قالب بررسی‌های منطقه‌ای و یا شهرستانی، در سطح گسترده به منظور انجام فعالیت‌های باستان‌شناسی با هدف تهیه پرونده ثبتی بسنده شده است؛ به همین دلیل نمی‌توان نقشه و جدولی مبنی بر توزیع مکانی و زمانی آنها ارائه داد و نیاز است پژوهش‌های میدانی منسجم و جامعی با این هدف، در سطح گسترده‌تری انجام شود. همچنین درباره اطلاعات غیرباستان‌شناسانه که تنها با دید مطالعات تاریخی این منطقه گردآوری شده است، به برخی کتاب‌هایی مدیونیم که نام و مکان تعدادی از قلعه‌های این منطقه در آنها بیان شده است (مانند کتاب‌های آقای بهمن کریمی، محمد رزم‌آرا، احمد ایزدپناه، علی ساکی و غیره). در ادامه باید گفت تعدادی از این قلعه‌ها حتی در فهرست آثار ملی ایران نیز ثبت و ضبط قرار نشده‌اند. قلعه شاه‌جغل یا جِغَلَه نیز تاکنون به دلیل عدم بیان حوادث تاریخی آن در منابع و متون مکتوب و عدم انجام پژوهش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی دقیق، در منطقه ناشناخته مانده و بر این اساس تاکنون در فهرست آثار میراث فرهنگی به ثبت نرسیده است. بقایای این قلعه در تابستان ۱۳۹۵ با راهنمایی آقای تیموری (کارمند یگان حفاظت میراث فرهنگی شهرستان بروجرد) مورد بررسی نگارندگان قرار گرفت که در ادامه به توضیح، تشریح و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

گونه‌شناسی قلاع از نظر طبیعی و کارکردی



نمودار ۱: تقسیم‌بندی موقعیتی قلعه‌های منطقه زاگرس مرکزی (کریمیان و امیدی، ۱۳۹۵: ۹۸)

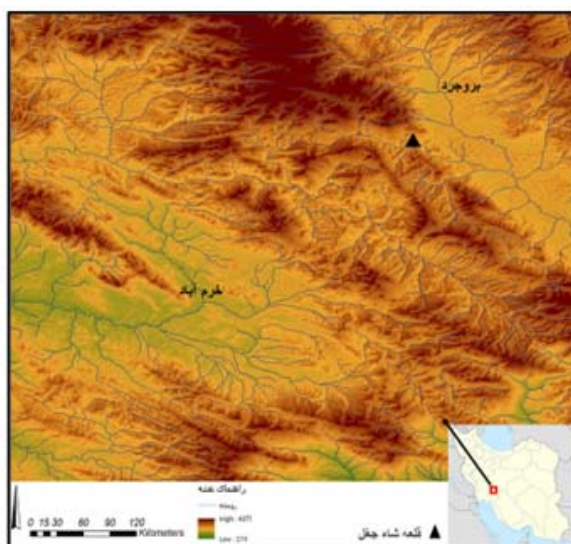
قلعه‌ها با توجه به وضع طبیعی محل ساخت، کاربری، پلان و مصالح مورد استفاده در آنها، به دسته‌های مختلف (کوهستانی و جلگه‌ای) تقسیم می‌شوند که منطقه زاگرس مرکزی نیز از تقسیم‌بندی این قاعده مستثنا نیست و آنچنان که در نمودار زیر دیده می‌شود بیش از ۷۰ درصد قلعه‌های این منطقه در محیط‌های کوهستانی بنا شده‌اند که تنها تعداد کمی از

آنها در دشت احداث شده و البته به‌طور عمده در دوران اسلامی بنا شده‌اند. همین امر نسبتاً ساده در تقسیم‌بندی قلعه‌های این ناحیه، از نظر پلان و کارکرد آنها موجب ارائه نمودار و جدول شماره ۱ شده است.

نکته مهم در ساختن قلعه‌های کوهستانی از جمله قلعه شاه‌جغل - که از این قاعده مستثنی نیست - موضوع مربوط به مکان است. مکان مناسب را در شکل طبیعی پستی و بلندی‌های صخره‌ای که دسترسی به آن غیرممکن و یا بسیار دشوار بود، می‌یافتند و بنای مناسب آن بود که با حمله‌های سخت و محاصره‌های طولانی نابود نشود (خلعتبری و دلریش، ۱۳۸۲: ۱). بیشترین قلاع کوهستانی را دژهایی تشکیل می‌دهند که غالباً بر بالای کوه‌های منفرد بنا شده‌اند و معمولاً در طرح این قلعه‌ها هیچ الگو و نظم هندسی معینی وجود ندارد. به بیان دیگر، تنوع طرح این قلعه‌ها به تعداد آنهاست و معماری بناهای داخلی قلعه‌های کوهستانی فاقد طرح و نقشه خاصی است (پازوکی طرودی، ۱۳۷۶: ۱۶۱). فضاهای داخلی قلعه‌ها نیز از نظر تعداد، وسعت و ساخت بسیار متنوع بوده و معمولاً شامل محل استقرار سربازان و جنگجویان، فضاهای تدارکاتی و مقر حاکم قلعه می‌شد. مصالح مورد استفاده در قلعه‌های کوهستانی به سبب فراوانی مصالح سنگی در محل، به‌طور عمده از لاشه سنگ و قلوه‌سنگ تشکیل می‌شد و در مواردی به صورت خشکه‌چین به کار می‌رفت‌ه‌اند (راوندی، ۱۳۸۴: ۲۸۳/۵؛ ستوده،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(ع)، سال ۲۹، شماره ۴۴، زمستان ۹۸ / ۴۱

۱۳۴۵: ۱۴-۱۷) و در ساخت و ساز این استحکامات، تمام پیش‌بینی‌های لازم برای متوقف کردن و یا دست‌کم کندتر کردن سرعت مهاجمان در خارج و داخل آن مورد توجه قرار می‌گرفته است (پازوکی، ۱۳۷۶: ۲۲۵-۲۲۶). به موجب این دسته‌بندی و انتخاب مصالح مورد نیاز در چینش معماری، موقعیت قلعه شاه‌جغل را می‌توان از جمله قلعه‌های کوهستانی قلمداد کرد و بر این اساس، می‌توان کاربری‌های متعدد مربوط به قلعه‌های کوهستانی را برای آن در نظر گرفت. عواملی نظیر صعب‌العبور بودن، دسترسی به منابع آب، امکان تسلط کافی بر محیط پیرامون و شبکه‌های ارتباطی، سبب شده تا سازندگان این قلعه آن را در موقعیتی ممتاز بنا کنند.



تصویر ۲: موقعیت جغرافیایی و محل قرارگیری قلعه شاه جغل (نگارندگان)

موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های معماری قلعه شاه‌جغل

قلعه شاه‌جغل یا جِغَله در استان لرستان، شهرستان بروجرد، بخش مرکزی، دهستان همت‌آباد و در نزدیکی روستاهای دوران‌دره و بزَهَل قرار دارد و آنچنان‌که در نقشه بالا دیده می‌شود، این قلعه با مختصات $E48,42,42N33,45,08$ ، در حاشیه غربی دشت سیلاخور (در فاصله حدود پنج کیلومتری به خط مستقیم) در ابتدای یکی از مسیرهای ارتباطی بروجرد که به منطقه خرم‌آباد و بیرانشهر (چغلوندی) منتهی می‌شود، ساخته شده است. مکانی که قلعه بر آن بنا شده، از جانب شرقی در طرف راست و بر بالای کوه منفردی در دهانه تنگه دره بیداد قرار گرفته است که مشرف و مسلط به دشت سیلاخور و راه‌های ارتباطی آن است (تصویر ۲ و ۳). درباره وجه تسمیه این قلعه باید گفت جغل یا جِغَله در زبان بومی مردم این منطقه عموماً به معنای «کوچک» است که به دلیل کوچک و محدود بودن این قلعه، بدان جِغَله گفته می‌شود. البته درباره پیشوند کلمه شاه بر این قلعه اطلاع مکتوب دقیقی در دست نیست و نگارندگان نیز در این باره اظهار نظری ندارند، اما به هر حال این پیشوند خود می‌تواند دلیلی بر اهمیت مکانی این محوطه باشد که در طول این مسیر ارتباطی جریان داشته است.



تصویر ۳: سمت راست: مسیر ارتباطی منتهی به دشت بروجرد. سمت چپ: مسیر ارتباطی منتهی به منطقه خرم‌آباد (نگارندگان)

براساس شواهد معماری، این قلعه در ارتفاع ۱۷۸۰ متری از سطح دریا ساخته شده و ارتفاع آن از سطح محیط اطراف نیز بیش از ۱۰۰ متر است. شکل طبیعی این کوه منفرد به گونه‌ای است که دارای ساختاری غیرمنظم و جهتی طولی است که از تمامی جهات با شیب تندی همراه است. همین عامل طبیعی موجب شده است که دسترسی به قلعه غیرممکن شود و نقاطی که دارای این ضعف بوده‌اند، همراه با دیوارهایی که بقایای آوار آن بر جای مانده است، مانع از دسترسی به داخل آن شوند. همچنین به موجب آن، ساختار معماری این قلعه شکل گرفته است (تصویر ۴).



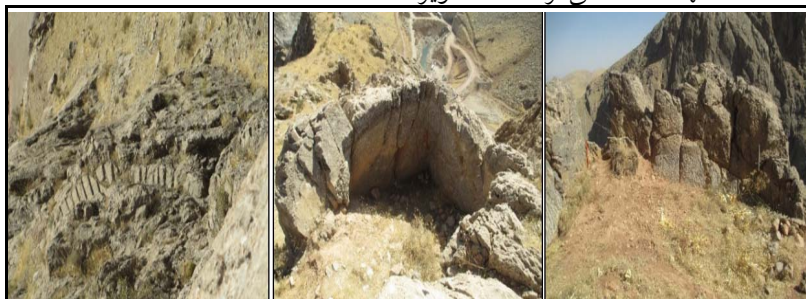
تصویر ۲: دورنمای کلی از موقعیت مکانی قلعه؛ دید از شمال شرقی (نگارندگان)

براساس مکان و موقعیت طبیعی قلعه شاه‌جغل، بقایای معماری و مصالح مشهود آن، در دو دسته قابل مطالعه می‌باشد: دسته اول مربوط به معماری «دست‌کند»^۱ شامل فضاهای دست‌کند جهت اتاقک‌ها، آب‌انبارها و پله‌های دسترسی و دسته دوم بقایای معماری است که با لاشه سنگ‌هایی از جنس خود کوه و ملات گچ ساخته شده است و از آن برای چینش مصالح و پوشش دیوارها نیز استفاده کرده‌اند.

قابل توجه‌ترین آثار معماری این قلعه، مربوط به فضاهای دست‌کند متعددی است که آثار آن در سطح گسترده‌ای برجای مانده است و این روش در نقاط مختلف ایران در قلعه‌هایی با گونه‌های متنوع نیز شناسایی شده است. در این قلعه، آثار معماری دست‌کند مربوط به فضاها در اطراف صخره ایجاد شده‌اند که عمدتاً به صورت فضاهای متعدد شامل اتاقک‌ها و آب‌انبارها و پله‌های ارتباطی بین بخش‌های مختلف ایجاد شده‌اند. حجم بخش‌های دست‌کند ایجاد شده، به بیش از چهارصد متر مربع می‌رسد که بیش از نیمی از این میزان برای ایجاد فضاها یا بخش‌های اصلی در نظر گرفته شده است. در اینجا بخش عمده و مسیر پله‌های دسترسی به بخش‌های فوقانی، در بخش غربی ایجاد شده است که طی چندین رشته پلکانی به قسمت فوقانی (مصطبه‌ای شکل) منتهی می‌شود (جالب توجه است که در بخش ابتدایی و

۱. دست‌کند (آثار معماری دست‌کند): گونه خاصی از معماری است که از طریق زدودن بستر صخره‌ای و سنگی، فضا تولید می‌شود. در این نوع معماری نیازی به مصالح به منظور تولید فضا وجود ندارد.

شروع رشه پلکانی، به دلیل نامشخصی بخش‌هایی از آن بریده شده و از ادامه پله‌ها خبری نیست که به نظر می‌رسد به دلایل امنیتی و عدم دسترسی، از پلکان چوبی استفاده می‌کرده‌اند و در مواقع ضروری آن را برمی‌داشتند تا دسترسی به بخش‌های فوقانی به راحتی امکانپذیر نباشد. بخش دیگری از فضاهای دست‌کند مربوط به آب‌انبارهای این قلعه است که می‌توانسته‌اند بیش از پنجاه متر مکعب آب (که در سه بخش جداگانه و منفرد در سطح قلعه قابل مشاهده است) را از طریق کنترل آب‌های سطحی حاصل از بارش برف و باران، به داخل آن هدایت کنند. گفتنی است آب‌انبارها از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مواردی‌اند که در حیات قلعه‌ها اهمیت ویژه‌ای داشتند و از آنها برای ذخیره‌سازی آب در زمستان و استفاده در تابستان، یا شرایط خاص به مانند جنگ و غیره استفاده می‌کرده‌اند؛ که با توجه به شرایط حاکم در هر قلعه، در ابعاد و اندازه و اشکال مختلفی ساخته می‌شدند. البته در بدنه برخی از آب‌انبارها حفره‌هایی وجود دارد که به نظر می‌رسد از تیرهای چوبی برای پوشش سقف آنها استفاده می‌شده است. همچنین به نظر می‌رسد از مصالح معمولی و متعارف با پوشش تخت، برای پوشاندن سقف آنها استفاده می‌کرده‌اند (تصویر ۵).



تصویر ۵: بخش‌های مختلف آثار دست‌کند و معماری قلعه (مصطبه؟، اتاقک، آب‌انبار، راه‌پله پلکان) (نگارندگان)

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در قلعه شاه‌جغل عوامل محیطی (شکل طبیعی صخره) نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به فضاهای معماری آن داشته است؛ زیرا تمام مواردی که درباره بقایای معماری بر جای مانده از این قلعه ارائه شد، مواردی می‌باشند که با اشکال و فرم‌های بدون ترتیب و نظم خاصی ایجاد شده است. این عمل بدین معناست که ایجاد فضاهای معماری به گونه‌ای بود که با توجه به شواهد بر جای مانده، تمامی سطح و اطراف صخره بدون نظم را در برمی‌گرفته است. بر همین اساس، با توجه به تنوع بسیار این نوع استحکامات از نظر ساخت، معماری، کاربری و مالکیت، کارکردهای متنوعی برای این قلعه‌ها در نظر گرفته شده و ممکن است یک قلعه به دلایلی در

طول حیات سیاسی خود دارای کاربری‌های مختلفی بوده است. در اینجا مسیرهای منتهی یا قابل عبور از این قلعه به سمت منطقه بروجرد و خرم‌آباد نشان داده شده است و همین موقعیت مکانی آن می‌تواند ما را در شناسایی عملکرد یا عملکردهای این قلعه یاری رساند. در ادامه، جدول مقایسه‌ای عملکردی قلعه شاه‌جغل با سایر قلاع آورده شده است تا از این جدول مقایسه‌ای - تطبیقی بتوان به عملکرد احتمالی آن پی برد. با توجه به داده‌های این جدول، کاربری‌های احتمالی که می‌توان برای قلعه شاه‌جغل در نظر گرفت، نشان داده شده است (جدول ۱).

جدول ۱: جدول مطالعه تطبیقی عملکرد قلعه‌ها و قلعه شاه‌جغل (نگارندگان)

قلعه شاه جغل	منابع						کارکردها (دشتی - کوهستانی)
	ملازاده	کلایس	بشیری	باچارچ	بازوکی	ستوده	
	•	•	•		•	•	ارگ داخل شهرها
	•	•		•			قلاع حاکم‌نشین محلی و منطقه‌ای
		•	•	•			قلعه قصر/ دارالاماره
		•			•		قلعه‌های کوهستانی به عنوان نیایشگاه (آتشکده)
			•				قلاع خصوصی
		•					قلعه کاروان‌سرا - قلعه پل
۱۷	•		•				قلاع و استحکامات

							مورد استفاده مخالفتان حکومتی/ اقلیت‌های مذهبی و سیاسی، متمردین و راهزنان
√		•	•	•	•	•	پادگان نظامی
				•		•	انبار ذخایر مهمات جنگی
			•			•	انبار حفظ اشیای گران‌قیمت
			•	•		•	استفاده از قلع برای نگهداری زندانیان
√			•				نظارت بر ورود و خروج افراد و کاروان‌ها به شهرها
√	•	•	•		•	•	قلعه‌های راهداری و ارتباطی
√	•					•	قلعه‌های نظامی سرحدی و سوق‌الجیشی

همان‌گونه که در جدول مربوط به مطالعات تطبیقی عملکرد قلعه‌ها و تطبیق آن با عملکرد یا عملکردهای احتمالی قلعه شاه‌جغل نشان داده شد، به احتمال زیاد می‌توان این قلعه را به عنوان قلعه راهداری ارتباطی و با هدف نظارت بر رفت‌وآمدها و به احتمال ضعیف‌تر به عنوان

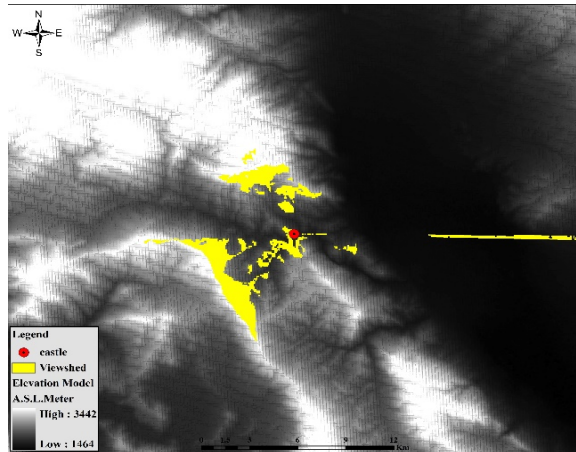
قلعه حاکم‌نشین منطقه‌ای، مورد استفاده مخالفان حکومتی و اقلیت‌های مذهبی و سیاسی، مورد استفاده متمرکبین و راهزنان و یا قلعه‌ای به عنوان پادگان نظامی و سوق‌الجیشی در نظر گرفت. البته این قلعه می‌توانست در این منطقه عملکردهای دیگری به‌جز موارد گفته شده را داشته باشد. گفتنی است عملکردهای در نظر گرفته شده می‌توانست طی دوره‌های مختلف استفاده از این قلعه -که شواهد آن بر ما روشن نیست- تغییر یابند و بر همین اساس، تغییراتی در فرم و معماری آن ایجاد شود. براساس مجموعه عواملی که توضیح داده شد، شاید بتوان قلعه شاه‌جغل را به عنوان یکی از قلعه‌های مهم منطقه در نظر گرفت که با توجه به مطالعه یافته‌های سفالی، دست‌کم برای مدت زمان طولانی در اواخر دوران تاریخی (با استناد به یافته‌های سطحی که در ادامه توضیح داده می‌شود)، توانسته است نقش خود را در قالب عملکردهایی چون قلعه راهداری و ارتباطی و نظارت بر تمامی رفت‌وآمدهای قابل تردد در این منطقه ایفا کند. البته باید یادآوری کرد که از تاریخ ساخت بنای قلعه و نقش تاریخی و فعالیت‌های نظامی و سیاسی صورت گرفته در این قلعه، اطلاع دقیقی در دست نیست.

گفتنی است با استناد به جدول بالا و با استفاده از مقایسه مؤلفه‌های مربوط به معماری و دیگر داده‌های فرهنگی (سفالی)، قلعه شاه‌جغل با قلاع «کهزاد» درود و «بهرام» خرم‌آباد (پرویز، ۱۳۸۰-۱۳۸۳) که هر دو مربوط به اواخر دوران تاریخی‌اند، قابل مقایسه است.

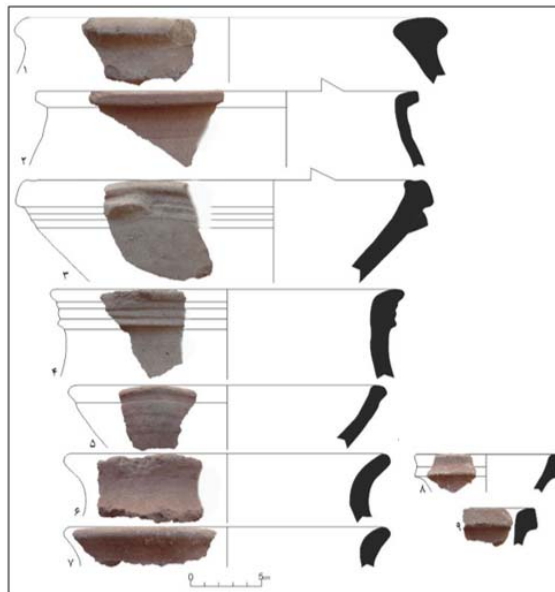
برای قلعه‌ها متغیرهای مهمی وجود دارد که می‌توان از آنها برای شکل‌گیری، ادامه حیات و کاربری آنها استفاده کرد. متغیرهای اصلی که می‌توان برای مطالعه قلعه شاه‌جغل و همچنین مشخص کردن کاربری و اهمیت آن در نظر گرفت، عبارت است از: موقعیت کوهستانی، ارتفاع از محیط اطراف، میزان میدان دید و قلمرو استحفاظی، میزان شیب دسترسی، نزدیکی و دسترسی و کنترل شبکه‌های ارتباطی.

گفتنی است موقعیت کوهستانی و ارتفاع زیاد از محیط اطراف، موجب شده تا قلعه به سختی قابل تسخیر باشد و به موجب آن میدان دید و قلمرو استحفاظی آن بیشتر شود. بر همین اساس، با کمک برنامه «GIS» تلاش شده است تا تمامی محیطی که افراد ساکن این قلعه با قرار گرفتن در بالای دیواره‌های آن، می‌توانستند آن را در قلمرو دید خود داشته باشند، نشان داده شود؛ که این عامل، یعنی قرارگیری در یک منطقه ارتباطی و تسلط بر آن، اهمیت این قلعه را در گذشته بازگو می‌کند (تصویر ۶).

۴۸ / بررسی جایگاه و اهمیت قلعه ساسانی شاه جُغَل (جِغله) پروچرد ... / موسی سبزی و ...



تصویر ۶: میدان دید قلعه شاه جغل نسبت به محیط اطراف (نگارندگان)



تصویر ۷: سفال‌های سطحی یافت شده از قلعه جغل (نگارندگان)

از مهم‌ترین سؤالات مطرح در این پژوهش، زمان شکل‌گیری و چگونگی استفاده از این قلعه است. از آنجا که بقایای معماری به تنهایی مشخص‌کننده دوره و تاریخ خاصی نیست، این عمل (تاریخ‌گذاری) با کمک دیگر یافته‌های فرهنگی به دست آمده از این محوطه، امکان‌پذیر است. با توجه به شکل‌دهی فضاهای این مجموعه به صورت آثار دست‌کند، عملاً نمی‌توان به

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۲۹، شماره ۴۴، زمستان ۹۸ / ۴۹

زمان دقیق اولیه ساخت آن دست یافت، اما با استناد به یافته‌های سطحی و باستان‌شناختی موجود، می‌توان زمان احتمالی استفاده از این قلعه را مشخص کرد. تنها داده‌های مشخصی که برای مطالعه و تاریخ‌گذاری این قلعه وجود دارد، سفال‌های پراکنده و نسبتاً اندکی است که در سطح و اطراف محوطه وجود دارد. در نهایت با مطالعات تطبیقی و گونه‌شناسی این سفالینه‌ها با داده‌های فرهنگی مناطق هم‌جوار، می‌توان این سفالینه‌ها را به اواخر دوران تاریخی (دوره ساسانی) منتسب کرد (تصویر ۷ و جدول ۲).

جدول ۲: جدول مشخصات سفال‌های قلعه شاه‌جغل (نگارندگان)

جدول مشخصات سفال‌های قلعه شاه‌جغل بر وجود										
توصیف سفال‌ها										
قطعه	نوع قطعه	رنگ خمیره	پوشش درونی	پوشش بیرونی	شاهوت	تکنیک ساخت	کیفیت ساخت	میزان پخت	ترازین	منبع مقایسه
۱	لبه	کرم	نخودی	نخودی	خاک رس و ماسه	چرخ‌ساز	متوسط	کافی	-	محمدرضا فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۴۰ Keall&keall, 1981
۲	لبه	نخودی	نخودی	نخودی	خاک رس و ماسه	چرخ‌ساز	ظریف	کافی	نورای	محمدرضا فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۶
۳	لبه	نخودی	نخودی	نخودی	خاک رس و ماسه	چرخ‌ساز	متوسط	کافی	نورای	---
۴	لبه	نخودی/تیره	نخودی/تیره	نخودی	خاک رس و ماسه	چرخ‌ساز	متوسط	کافی	-	محمدرضا فر و مترجم، ۱۳۹۰، تصویر ۶ Azarnoush 1994, p207, fig184:B
۵	لبه	قرمز	قرمز	نخودی	خاک رس و ماسه	چرخ‌ساز	ظریف	کافی	-	محمدرضا فر و طهماسبی، ۱۳۹۳، تصویر ۳۹

۱	لبه	قرمز	قرمز	نخودی	خاک‌رُس و ماسه	چرخ‌ساز	متوسط	کافی	-	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: تصویر ۴
۷	لبه	نخودی	نخودی	نخودی	خاک‌رُس و ماسه	چرخ‌ساز	متوسط	کافی	-	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: تصویر ۱۹
۸	لبه	نخودی	نخودی	نخودی	خاک‌رُس و ماسه	چرخ‌ساز	ظریف	کافی	-	---
۹	لبه	نخودی	نخودی	نخودی	خاک‌رُس و ماسه	چرخ‌ساز	ظریف	کافی	-	محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: تصویر ۱۲

نتیجه‌گیری

با توجه به توضیحات مختصری که درباره شرایط طبیعی ناحیه زاگرس مرکزی و مسیرهای ارتباطی آن داده شد، در حالت غیرعادی (نبود امنیت متمرکز در منطقه) رفت‌وآمد از راه‌های قابل عبور آن اجتناب‌ناپذیر و تا حدی با مشکل همراه است و همان‌طور که می‌دانیم سبک بنای قلعه‌ها، با وضع امنیتی محل در زمان ساخت بنا ارتباط داشته است. در این حوزه، عمدتاً ارتباط با مناطق اطراف تنها از طریق دره‌ها امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، دسترسی به مسیرهای ارتباطی یکی از عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی قلعه‌های این ناحیه به شمار می‌رفته است. به موجب این شرایط، صاحبان قلاع متعدد در این منطقه توانسته‌اند تمامی این مسیرها را کنترل کنند. با توجه به توضیحاتی که درباره شرایط طبیعی و موقعیت قلعه شاه‌جُغَل داده شد، این قلعه در مکانی بنا شده است که با دید حداکثری به سمت دشت سیلاخور (به سمت بروجرد) قرار دارد و مطالعه داده‌های فرهنگی یافت‌شده نیز موقعیت استراتژیک آن را تأیید می‌کند.

در ادامه باید گفت با توجه به موقعیت مکانی این قلعه در مسیر ارتباطی منتهی به دو منطقه بروجرد و خرم‌آباد و تأمین امنیت آن و همچنین مطالعه داده‌های فرهنگی، مشخص شد که این قلعه مربوط به اواخر دوران تاریخی (دوره ساسانی) می‌باشد که توانایی در اختیار گرفتن و تسلط و تأمین امنیت این مسیر ارتباطی در منطقه را تا زمان نامشخصی داشته است. بنابراین با

توجه به اهمیت منطقه‌ای و مکانی این قلعه، می‌توان گفت کارکرد اصلی آن در زمان مورد نظر در این منطقه، ارتباطی - تجاری بوده است. در دوره‌های مختلف تاریخی و اسلامی در نقاط مختلف ایران از جمله در شمال غرب و غرب نمونه‌های مختلفی از قلاع با سبک ایجاد در دل کوه و صخره‌ها (به اصطلاح دست‌کند) مشاهده شده است که بهترین نمونه این قلاع مربوط به اورارتوها می‌باشد، همچنین در دوره اسلامی نمونه‌های مشابهی با این آثار را می‌توان قلعه بابک خرم‌دین کلبی و قلعه الموت قزوین نام برد. همچنین با استناد به شواهد سطحی سفالی موجود، این محوطه را می‌توان به دوره ساسانی منسوب نمود. از آنجایی که می‌دانیم قلاع متعددی از دوره ساسانی جهت کنترل راه‌های ارتباطی در نقاط مختلف ایران وجود دارد با این تفاوت که قلعه شاه‌جغل از نوع آثار معماری دست‌کند بوده و تاکنون از دوره ساسانی قلعه‌ای دست‌کند مشابه قلعه شاه‌جغل شناسایی نشده است.

منابع و مأخذ

- اشمیت، اریک. اف (۱۳۷۶)، پرواز بر فراز شهرهای ایران، ترجمه آرمان شیشه‌گر، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ایزدیناه، حمید (۱۳۵۰)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، تهران: انتشارات آگاه، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بدیعی، ربیع (۱۳۷۸)، جغرافیای مفصل ایران، ج ۳، تهران: نشر اقبال.
- پارسی، فرامرز (آذر و دی ۱۳۸۳)، «قلعه رودخان»، مجله معماری، شماره ۲۸، صص ۱۳۴-۱۳۹.
- پازوکی طرودی، ناصر (۱۳۷۶)، استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- پرویز، احمد (۱۳۸۰-۱۳۸۳)، «پرونده ثبتی قلعه‌های بهرام خرم‌آباد (شماره ثبتی ۴۰۰۰) و کهزاد دورود (شماره ثبتی ۱۱۶۹۵)»، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان لرستان (منتشر نشده).
- پیرنیا، محمدکریم و کرامت‌الله افسر (۱۳۷۰)، راه و ریاض، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، چ ۲.
- خانعلی، حمید، رضا رضالو و اسماعیل همتی از ندریانی (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی راه‌های تجاری و نقش قلاع نظامی در پیشرفت تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شمال غرب ایران در دوره اسلامی (با مطالعه موردی شهرستان کوثر در استان اردبیل)»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱۰، صص ۱۹۳-۲۱۰.
- خلعتبری، الهیار و بشری دلریش (۱۳۸۲)، کارکرد و نقش سیاسی و اجتماعی قلاع در تاریخ میانه ایران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- دوئد، بارون (۱۳۷۱)، سفرنامه لرستان و خوزستان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- راوندی، مرتضی (۱۳۸۴)، *تاریخ اجتماعی ایران، حیات اقتصادی مردم ایران از آغاز تا امروز*، ج ۵، تهران: چاپخانه گلشن.
- (۱۳۳۰)، *جغرافیای نظامی ایران، پشت کوه، تهران: [بی‌نا]*.
- سرجان ملک‌خان (۱۳۶۲)، *تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: انتشارات دنیای کتاب*.
- ستوده، منوچهر (۱۳۴۵)، *قلع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز، تهران: انتشارات دانشگاه تهران*.
- عریان، مرضیه (۱۳۷۴)، «قلع اسلامی»، *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- علایی طالقانی، محمود (۱۳۸۲)، *ژئومورفولوژی ایران، تهران: انتشارات قوم*.
- کریمیان، حسن و کاظم امیدی (۱۳۹۵)، *قلعه‌های حکمرانان زاگرس مرکزی، تهران: انتشارات امید* مجلد.
- کریمی، بهمن (۱۳۱۷)، *جغرافیای مفصل تاریخی غرب ایران، طهران: شرکت چاپخانه فرهنگ*.
- گاف‌مید، کلر (۱۳۵۰)، «لرستان در نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد»، *ترجمه فرخنده اعتصام، مجله بررسی‌های تاریخی، سال دوازدهم، شماره چهارم، صص ۱۲-۴۸*.
- محمدی‌فر، یعقوب (پاییز و زمستان ۱۳۸۴)، «جغرافیای تاریخی منطقه زاگرس مرکزی در دوران پیش از اسلام»، *مجله پیام باستان‌شناسی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۸۱-۹۲*.
- ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۸۵)، *قلعه و استحکامات نظامی، تهران: انتشارات سوره مهر*.

List of sources with English handwriting

- 'Alāee Tāleqānī, Mahmud (1382), *Žeomerfoložī-e Iran*, Tehran: Qoūm. [In Persian]
- Badi'ee, Rabi' (1378), *Joğrafiyaye Mūfasal-e Iran*, 3 Vol., Tehran: Ighbāl. [In Persian]
- İzadpanāh, Hamīd (1350), *Ātār-e bāstānī wa tārīhī-ye Luristān*, Tehran: Āgāh, Anjuman-e Ātār wa Mafākhir-e Millī. [In Persian]
- Kāl'atbarī, Allāhyār; Dilrīs, Bušrā (1382), *Kārkard'hā va naqš-e siyāsī va ijtimā'i-ye qilā' dar tārīkh-e miyānaye Irān*, Tehran: Danišgāh Šahīd Beheštī. [In Persian]
- Kan'alī, Hamīd; Rezālu, Rezā; Himmatī Azandriyani, Ismaīl (1395), *Motale'eye Taṭbīqī-ye Rāhhā-ye Tejarī wa Naqš-e Qela'a-e Nezamī bar Pīšraft-e Tejārat-e Mantanqe-ye Somaāl-e Ġarb-e Iran dar dore-ye Islāmī (ba Motale'ye Moredī-ye Šahrestan-e Koṭar dar Ustan-e Ardabīl)*, *Pejuhešhā-ye Bāstānšenāi-ye Iran*, 6, No. 10, 193-210. [In Persian]
- Karīmī, Bahman (1316), *Joğrāfiya-ye Moḡašal-e Tarīkī-ye Ġarb-e Iran*, Tehran: Čāpkāneh Farhang. [In Persian]
- Karīmīyan, Hasan; Omīdī, Kazem (a1394), *Qal'ehā-ye Hokmrānān-e Zagros-e Markazī*, Tehran: Omīd-e Majd. [In Persian]
- Kliess, Wolfram (1366), "Qela'" in *Me'mārī-ye Iran dore-ye Islāmī*, ed. Moḡammad Yousef Kiyānī, Vol. I, Translated by Alī Rezā Mīhanī, Tehran: Jahā Dānešgāhī, Eršād Eslāmī, 105. [In Persian]
- Moḡammadifar, Ya'qūb (1384), "Joğrāfiya-ye Tārīkī-ye Mantaqe-ye Zāgrūs-e Markazī sar doran-e Pīš az Islām," *Payām-e Bāstānšenāsi*, No. 4, 2, 81-92. [In Persian]
- Mollāzādeh, Kāzem; Moḡammadī, Maryam (1385), *Qal'e wa Estehkāmāt-e Nezāmī*, Tehran: Sooreh Mehr, Pezuhešgāh-e Farhang wa Honar-e Eslami. [In Persian]
- Parvīz, Ahmad (1380-83), *Parvāndehye Sabtīye Qal'ahāye Bahrām-e Khurram Ābad wa Kahzād-e Dūrood*, Sāzmān-e Mīras-e Farhangī-ye Ustān-e Luristān. [In Persian]
- Pāzūkī Ṭarūdī, Našer (1367), *Istehkāmāt-e Defāee dar Iran-e dūriye Eslāmī*, Tehran: Sāzmān-e Mīras-e Farhangīye Kešvar. [In Persian]
- Pīrnīā, Muhammad Karīm; Afsar, Keramat Allāh (1370) *Rāh wa Rūbāt*, Tehran: Sāzmān-e Mīras-e Farhangī. [In Persian]
- Ravandī, Mortazā (1384), *Tarīk-e Ejtemaee-ye Iran, Hayāt-e Eqtesādī-ye Mardom-e Iran az Āğāz tā Emruz*, Vol. 5, Tehran: Golšan. [In Persian]
- Razmārā, Alī (1330), *Joğrāfiya-ye Nezāmī-ye Lurūtān*, Tehran. [In Persian]
- Razmārā, Alī (1330), *Joğrāfiya-ye Nezāmī-ye Iran, Pošt Kūh*, Tehran. [In Persian]
- Sotūda, Manūčeher (1345), *Qela'-e Esmāīlī-ye dar Rešteh Kūhhā-ye Alburz*, Tehran: Danešgāh-e Tehran. [In Persian]
- Bacharach, Jere L. (1383), *Qal'a-Qasr: Namādi az qudrat-e šahr-e Islāmī, Šahrnešīnī dar Islām*, Markaz-e Mūtali't-e Farhangīye Itoku Japan, Translated by Mahdī Afšār, Majmū'a Maqālāt-e Kongra-ye Tārīkh-i Mi'marī wa Šahrsāzi-ye Iran, Vol. I, Tehran: Sāzmān-e Mīras-e Farhangī-ye Kešvar, Dabīrkhāne-ye Kongera wa Modīriyat-e Entesārāt wa Tolīdāt-e Farhangī, Vol. 3, 201-208. [In Persian]

References in English

- de Bode, Clement Augustus Gregory Peter (2018), *Travels in Luristan and Arabistan*, UK: Sagwan Press.
- Goff, Cl. Meade, "Luristan in the first half of the first millenniumBC., a preliminary report on the first season's excavations at Baba Jan, and associated surveys in the Eastern Pish-i Kuh," *Iran* 6, 1968, pp. 105-34.
- Malcolm, John (2011), *The History of Persia from the Most Early Period to the Present Time*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Schmidt, Erich Friedrich (1940), *Flight over ancient cities of Iran*, Chicago: University of Chicago Press.

**A Survey on Importance of Sassanid Castel of Shah Joghhal (Jeqeḷ) in
Borujard, for Conservation of Roads in the Central Zagros¹**

Mousa Sabzi²
Esmail Hemati Azandaryani³
Kazem Omid⁴

Receive: 14/1/2019
Accept: 14/12/2019

Abstract

Castle Shah Jaghl or Jeqeḷ can be considered one of the central Zagros mountain fortresses. The location of the castle is such that it has been settled on one of the communication routes of Boroujerd plain to Chqelvandi and Khorramabad region. From this castle remained little remnants of the architecture and the culture findings (such as the remains of the chambers, water storage, and stairs to access it and little remains of surface pottery on the floor and around the castle). The key questions are these cases: This castle belongs to which historical period? What is the nature of its use? The authors have used in this research from field activities (including survey, documentation and archaeological studies) as well as the library studies to provide scientific answers to the questions listed. The results of research, concerning the position of the castle, the location of the building and architectural remains indicates that the castle more than anything has provided security of communication – business roads and routes of region and also concerning the archaeological evidence (especially pottery), probably has been related to the Sassanid period.

Keywords: Central Zagros, The County of Boroujerd, Castle of Shah Joghhal, Security use, Sassanid.

1. DOI: 10.22051/hii.2019.24087.1892

2. Assistant Professor, Department of Archeology, Lorestan University; sabzi.m@lu.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Archaeology, Bu-Ali Sina University, Hamedan (Corresponding Auuthor); e.hemati@basu.ac.ir

4. PhD Candidate in Archeology of the Islamic era, Department of Archaeology, University of Tehran; kazemomidiut@gmail.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493